



Research Paper

Investigating the Effect of Policymaking in terms of Tax Governance and Awareness of the Tax Revenue Allocation on the Level of Voluntary Tax Compliance

*Seyed Mohammadhadi Sobhanian¹, Ashkan Harati²

1. Assistant professor, Management faculty, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Management Faculty, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

Use your device to scan and read the article online



Citation: Sobhanian.M, Harati.A. (2024). [Investigating the Effect of Policymaking in terms of Tax Governance and Awareness of the Tax Revenue Allocation on the Level of Voluntary Tax Compliance (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 14(51), 56-77. <https://doi.org/10.22034/sspp.2024.2027675.3639>



<https://doi.org/10.22034/sspp.2024.2027675.3639>



Received: 29 Apr 2024

Accepted: 17 Jul 2024

Available Online: 21 Sep 2024

Keywords:

Tax Governance, Public Tax Choice Theory, Tax Compliance, tax revenue allocation.

ABSTRACT

One of the major goals of tax administration is to enhance the voluntary compliance of taxpayers. Tax compliance behavior is influenced by various factors. This article investigates the influence of taxpayers' awareness of how the government allocates tax revenues (budget spending) and the effect of allowing taxpayers to choose how to allocate a portion of their paid taxes, on tax compliance behavior. For this research, 450 taxpayers were selected from different provinces across the country using random sampling method. A questionnaire was used to collect data, which was then analyzed by the ordered logistic regression approach. The results showed the variables of taxpayers' awareness of the allocation of tax revenues by the government, the ability of taxpayers to allocate a portion of their taxes, the taxpayer's annual income, and the level of education have a positive and significant effect on the level of tax compliance. Moreover, when taxpayers are more aware of the government's allocation of tax revenues, they are more likely to choose the highest level of compliance. Similarly, allowing taxpayers to choose how to allocate a portion of their paid taxes also increases the probability of high compliance. Additionally, higher income and educational levels also lead to a greater probability of taxpayers being highly compliant.

JEL Classification: Z18, D70, H20, H61

* Corresponding Author:

Seyed Mohammadhadi Sobhanian

Address: Management faculty, Kharazmi University, Tehran, Iran.

E-mail: hadi_sobhanian@khu.ac.ir

مقاله پژوهشی

بررسی اثر سیاست‌گذاری در چارچوب حاکمیت مالیاتی و آگاهی از محل تخصیص درآمدهای مالیاتی بر سطح تمکین داوطلبانه مؤدیان

*سید محمدهادی سبحانیان^۱، اشکان هراتی^۲

۱. استادیار، گروه آموزشی مدیریت بانک، بیمه و گمرک، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

چکیده

افزایش تمکین داوطلبانه مؤدیان، یکی از مهمترین اهداف سازمان‌های مالیاتی است. تمکین مالیاتی تحت تأثیر متغیرهای متعددی است. در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و همچنین امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل هزینه‌کرد بخشی از مالیات پرداختی خود بر تمکین مالیاتی پرداخته شده‌است. در مجموع ۴۵۰ مؤدی از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و اتفاقی در دسترس از ادارات کل امور مالیاتی استان‌های کشور در سال ۱۴۰۲ انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بود که با استفاده از رهیافت رگرسیون لاجیت ترتیبی مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج، متغیرهای آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج‌کرد بخشی از مالیات پرداختی، درآمد سالانه مؤدی و سطح تحصیلات تأثیر مثبت و معناداری بر تمکین دارند. در واکنش به افزایش آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی، احتمال اینکه مؤدی بالاترین سطح تمکین را انتخاب نماید، افزایش می‌یابد. علاوه بر این، با فراهم شدن امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج‌کرد بخشی از مالیات پرداختی، احتمال انتخاب بالاترین سطح تمکین افزایش خواهد یافت. در خصوص متغیرهای درآمد سالانه مؤدی و تحصیلات، افزایش درآمد و سطح تحصیلات بالاتر موجب افزایش احتمال قرارگیری در بالاترین سطح تمکین می‌شود.

طبقه‌بندی: H۲۰, JEL H۶۱ : Z۱۸, D۷۰

تاریخ دریافت: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ تیر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

حاکمیت مالیاتی،
نظریه انتخاب عمومی
مالیات، تمکین
مالیاتی، تخصیص
درآمدهای مالیاتی

* نویسنده مسئول:

سیدمحمدهادی سبحانیان

نشانی: گروه آموزشی مدیریت بانک، بیمه و گمرک، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

رایانامه: hadi_sobhanian@khu.ac.ir

مقدمه

دارند (فالستا و همکاران، ۲۰۲۴). در این میان یکی از عوامل اثرگذار بر تمکین، اطلاع مؤدیان از نحوه هزینه‌کرد و تخصیص درآمدهای مالیاتی است. در واقع یکی از مطالبات مؤدیان، مطلع شدن در خصوص نحوه تخصیص درآمدهای مالیاتی در تامین مالی پروژه‌های مختلف و روش هزینه‌کرد بودجه توسط دولت است. به نظر می‌رسد که دولت‌ها به خوبی از اهمیت آگاهی مؤدیان در مورد هزینه‌های بخش عمومی و تاثیر آن در افزایش اعتماد به سازمان مالیاتی مطلع هستند (جوادی، ۲۰۱۳ و فاهر). با عنایت به نارضایتی مؤدیان در خصوص عدم اعلام دقیق محل تخصیص درآمدهای مالیاتی و به منظور افزایش تمکین مؤدیان، ارائه اطلاعات در خصوص توزیع هزینه‌کرد مالیات پرداختی حائز اهمیت است. نشان دادن مزایای اجتماعی مالیات به مشمولین می‌تواند به تغییر دیدگاه آن‌ها نسبت به مالیات تاثیرگذار باشد؛ واقعیت این است که بسیاری از مؤدیان وقتی به مالیات فکر می‌کنند، بیشتر روی هزینه‌ها و مخارج متمرکز می‌شوند و منافعی که از این هزینه‌ها به دست می‌آید را نادیده می‌گیرند. اگر به آن‌ها نشان داده شود که چگونه مالیات به بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کند، دیدگاه آن‌ها نسبت به مالیات ممکن است تغییر کند و از این رو تعهد بیشتری به پرداخت مالیات خواهند داشت (اوای سی دی^{۱۵}، ۲۰۲۱). بنابراین یکی از دغدغه‌های اصلی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نحوه استفاده از درآمد مالیاتی و اطلاع از نحوه توزیع آن است که می‌تواند تمکین مالیاتی را ارتقاء دهد. همچنین همگرایی اهداف دولت و مؤدیان، تمکین مالیاتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به این معنا که مؤدیانی که اهداف هزینه‌کرد مالیات توسط دولت

افزایش تمکین مالیاتی یکی از اهداف اصلی نظام مالیاتی کارآمد است. اکثر پژوهش‌ها در حوزه تمکین مالیاتی، به شناسایی عوامل عدم تمکین مؤدیان و راهکارهای مقابله با آن می‌پردازند. برخی از پژوهش‌ها بر اقتصادی بودن تصمیم مؤدیان برای عدم تمکین و فرار مالیاتی متمرکز شده‌اند به طوری که هر چه فرصت فرار بیشتر باشد، سطح تمکین کمتر است (وایت^۱ و همکاران، ۱۹۹۳، آلینگهام^۲ و ساندمو^۳، ۱۹۷۲). با این وجود، برخی از مدل‌های اقتصادی سنتی با تمرکز بر جرایم به بررسی برخی از جنبه‌های عدم تمکین پرداختند. تعداد زیادی از پژوهشگران نیز دلایل اجتماعی و روان‌شناختی مؤدیان بر تمکین را بررسی نموده‌اند (اسلمرود^۴، ۱۹۹۲). تحقیقات مذکور نشان می‌دهند که عوامل غیراقتصادی از جمله ارزش‌های اجتماعی، باورهای اعتقادی، اخلاقی، عدالت و برابری (آلم^۵ و همکاران، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹؛ بلانتورن^۶ و کاپلان^۷، ۲۰۰۸؛ بوبک^۸ و همکاران، ۲۰۱۳؛ سپالیدینی^۹ و تروست^{۱۰}، ۱۹۹۸؛ جکسون^{۱۱} و میلیرون^{۱۲}، ۱۹۸۶؛ کاپلان^{۱۳} و همکاران، ۱۹۹۸؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۵، ونزل^{۱۴}، ۲۰۰۵)، تأثیر زیادی بر تصمیمات تمکین مؤدیان

1. White
2. Allingham
3. Sandmo
4. Slemrod
5. Alm
6. Blanthorne
7. Kaplan
8. Bobek
9. Cialdini
10. Trost
11. Jackson
12. Milliron
13. Kaplan
14. Wenzel

15. OECD

متعلق به دولت، به شهروندان نسبت داده می‌شود (جیمز^{۲۰} و همکاران، ۱۹۹۳).

با عنایت به اینکه سازمان‌های دولتی از جمله سازمان مالیاتی نزدیکترین لایه خدمت‌رسانی به مردم را تشکیل می‌دهند، افزایش شفافیت اداری در زمینه‌هایی همچون نحوه هزینه‌کرد مالیات‌ها و ...، سطح اعتماد شهروندان به دولت را ارتقا می‌دهد (موسوی و مبارکی، ۱۳۹۶). در مقطع کنونی شهروندان اطلاع دقیقی از محل هزینه‌کرد مالیات‌های پرداختی خود ندارند و آگاهی از این امر به عنوان یکی از مطالبات جدی عمومی مطرح شده است. اگر چه در مقطع کنونی، اعلام محل هزینه‌کرد مالیات با جزئیات کامل میسر نیست، اما با بهره‌گیری از نظریه انتخاب عمومی در زمینه تخصیص مالیات‌های پرداختی مؤدیان می‌توان تعیین محل هزینه‌کرد بخشی از مالیات پرداختی شهروندان را (در چارچوب ارائه اظهارنامه‌های مالیاتی) به ایشان واگذار نمود. با توجه به نکات مطرح شده و با عنایت به اینکه وصول کارا و عادلانه درآمدهای مالیاتی کشور از طریق ارتقاء تمکین داوطلبانه شهروندان (مؤدیان مالیاتی) از مهمترین ارکان مأموریت سازمان امور مالیاتی کشور است، لذا مباحث مطرح شده گویای دلایل موجه و بسیار جدی برای بررسی تأثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی ایشان است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود. بنابراین، دستاورد حاصل از انجام پژوهش حاضر، شناخت اثرگذاری انتخاب و آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد بخشی از مالیات بر سطح رضایت و تمکین داوطلبانه ایشان، در چارچوب پاسخگویی و تقویت مسئولیت

را منطبق بر ترجیحات خود میدانند، درآمد ابرازی خود را نیز منطبق با واقعیت اعلام می‌کنند (فالستا^{۱۶} و همکاران، ۲۰۱۵). در نظریه انتخاب عمومی مالیات (گاهی اوقات به آن حق حاکمیت مؤدیان (براون^{۱۷}، ۱۹۷۹)، تخصیص بودجه یا تابعیت مالیاتی گفته می‌شود) این باور مطرح است که شهروندان می‌بایست کنترل مستقیمی بر نحوه هزینه‌کرد مالیات خود داشته باشند. نظریه‌پردازان این حوزه بر این باورند که چنانچه به شهروندان اجازه داده شود تا بخشی از مالیات خود را به هزینه‌های خاص اختصاص دهند، واکنش مثبتی نشان خواهند داد و ضمن رضایتمندی از پرداخت مالیات، تکالیف قانونی خود را با اشتیاق بیشتری انجام می‌دهند. طرفداران «حاکمیت مالیاتی» معتقدند که در نظام مالیاتی سنتی، شهروندان در ازای حمایت از دولت و ارائه خدمات عمومی، اختیار طبیعی خود را واگذار می‌کنند و این موضوع دولت را وادار می‌کند تا منافع عمومی را به عنوان وظیفه خود برای حفظ نظم و امنیت شهروندان جامعه در نظر بگیرد (گرجانی^{۱۸} و وینتروب^{۱۹}، ۲۰۲۱؛ براون، ۱۹۷۹). این رابطه متقابل، موجب می‌شود مالیات، پیوندی میان دولت و شهروندان باشد. طرفداران دیدگاه «حاکمیت مالیاتی» بر این باورند که در چنین رابطه‌ای، هر شخص به دولت قدرت می‌بخشد تا بتواند رضایت و منافع عمومی را تضمین کند. علاوه بر این، آنها معتقدند که شهروندان به دولت حاکمیت مالیاتی اعطا می‌کنند. بنابراین، دولت نه تنها دارای حقوق مالیاتی است، بلکه دارای تعهداتی است که با حقوق شهروندان مطابقت دارد، لذا وجود حاکمیت مالیاتی

16. Falsetta

17. Brown

18. Gerxhani

19. Wintrobe

20. James

طبق مطالعات صورت گرفته، یکی از متغیرهایی که موجب ارتقای تمکین مالیاتی می‌شود، اطلاع از نحوه هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی است (ارزادون، ۲۰۲۰). به طور مشابه، پیر^{۲۵} و همکاران (۲۰۱۶)، پالیل و مصطفی^{۲۶} (۲۰۱۱)، تیلاهون و ییدرسال^{۲۷} (۲۰۱۴)، احمد و کادیر^{۲۸} (۲۰۱۵) و جایاواردانه و لوو^{۲۹} (۲۰۱۶) نشان دادند که آگاهی از نحوه هزینه‌کرد دولت عاملی است که به طور مثبت و معنی‌دار بر تمکین مالیاتی تأثیر می‌گذارد (آسفاو^{۳۰} و سبحات^{۳۱}، ۲۰۱۹). به گفته هولر^{۳۲} (۲۰۱۰)، داشتن اطلاعات در مورد نحوه خرج‌کرد مالیات، تمایل به همکاری مؤدیان را افزایش می‌دهد (ارزادون، ۲۰۲۰).

یافته‌های مطالعه فلستا و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که همگرایی اهداف دولت و مؤدیان، تمکین مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به مطالعات انجام شده توسط ارونومان^{۳۳} و همکاران (۲۰۱۵) و مودوگو و انیادوبا^{۳۴} (۲۰۱۴) در نیجریه، تفکر^{۳۵} مثبت مؤدیان مالیاتی نسبت به دولت، تأثیر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی دارد (آسفاو و سبحات، ۲۰۱۹). لاتمر و سینگهال^{۳۶} (۲۰۱۴) نیز بیان کردند انواع خدمات دولتی که از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین می‌شوند و چگونگی دیده شدن این خدمات توسط مؤدی بر تمکین اثرگذار است. کسل و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که فرار نه تنها

اجتماعی دولت است. ساختار مقاله بدین شرح است: پس از مقدمه، در بخش دوم، مبانی نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش سوم به بررسی پیشینه پژوهش در دو حوزه «تأثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت بر تمکین مالیاتی» و «تأثیر انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی» می‌پردازد. در بخش چهارم (بخش روش تحقیق و یافته‌های پژوهش) به بررسی روش تحقیق، تدوین مدل مفهومی، پرسشنامه و در نهایت بررسی نحوه تأثیر متغیرها پرداخته می‌شود. در بخش پایانی نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه خواهد شد.

مبانی نظری

افزایش تمکین مالیاتی یکی از اهداف اصلی سازمان‌های مالیاتی است (والش^{۳۱}، ۲۰۱۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد ارائه یک نظریه واحد برای توضیح کامل تمکین مالیاتی از نظر عملی امکان‌پذیر نیست. بنابراین بایستی از رویکردهای متعددی بهره گرفت (آلم^{۳۲}، ۲۰۱۹). در این راستا، محققان تأثیر نگرش‌های فردی، تعصبات، هنجارهای اجتماعی را به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر عدم تمکین مالیاتی بررسی کرده‌اند (فالستا و همکاران، ۲۰۲۴) همچنین عواملی مانند مشروعیت^{۳۳} و کارایی دولت نیز تأثیر مستقیمی بر تمکین مالیاتی دارند (احمد و کدیر^{۳۴}، ۲۰۱۵). مشارکت عمومی یکی از ابزارهایی است که دولت‌ها می‌توانند به منظور افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت، از آن بهره‌مند شوند (قربانی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰).

25. Paper
26. Palil & Mustapha
27. Tilahun & Yidersal
28. Ahmed & Kedir
29. Jayawardane & Low
30. Assfaw
31. Sebhat
32. . Holler
33. Aronmwan
34. Modugu & Anyaduba
35. perception
36. Luttmer and Singhal

21. Walsh
22. Alm
23. legitimacy
24. Ahmed & Kedir

درآمدهای مالیاتی توسط دولت انجام می‌گیرد و در روش دوم امکان تخصیص بخشی از مالیات پرداختی به محل‌های مورد نظر مؤدی توسط خود وی در فرآیند پرداخت مالیات فراهم خواهد آمد.

پیشینه پژوهش

بررسی تاثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و نیز انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین داوطلبانه ایشان از موضوعاتی است که مورد توجه پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری مالیاتی در بخش عمومی بوده است. در این بخش به بررسی پیشینه پژوهش به تفکیک در دو حیطة «تاثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت بر تمکین مالیاتی» و «تاثیر انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی» پرداخته شده است.

مطالعات متعددی در خصوص تاثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت بر تمکین مالیاتی در کشورهای مختلف صورت گرفته است. به عنوان مثال، جیاسکوباسو^{۴۲} و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی تاثیر آگاهی مؤدی از نحوه هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت بر تمکین مالیاتی، با استفاده از روش حداقل مربعات دومرحله‌ای در آمریکا پرداختند. در این پژوهش از ۲۱۱۰ مودی، به صورت آنلاین نظرسنجی انجام شد. در این نظرسنجی، مؤدیان به دو دسته طبقه‌بندی شدند. گروه اول مؤدیانی بودند که فرزندان آنها در مدارس دولتی ثبت‌نام کرده‌اند و بنابراین از خدمات دولتی بهرهمند می‌شدند (تامین مالی بودجه مدارس دولتی از مالیات پرداختی آنها صورت می‌پذیرفت) و

ممکن است ناشی از حداکثرسازی مطلوبیت مؤدی باشد، بلکه ممکن است نشانه‌ای از ناخوشایندی نسبت به چگونگی صرف پول مؤدی توسط دولت باشند. مؤدیان ممکن است مستقیماً از برنامه‌هایی که توسط درآمدهای مالیاتی تامین مالی می‌شوند، بهره‌مند نشوند. آلم و همکاران (۱۹۹۳) بیان کردند سطح حمایت مردم از یک کالای عمومی بر سطح تمکین اثرگذار است. اگر افراد به یک برنامه خاص دولت اعتقاد داشته باشند و به شدت از آن حمایت کنند و اگر از حمایت سایر مؤدیان نیز مطلع باشند، احتمالاً تمکین افراد بیشتر خواهد شد. این نتایج با شواهد تاریخی که نشان می‌دهد میزان تمایل به پرداخت مالیات توسط مؤدیان با حمایت و اعتماد به دولت ارتباط مثبت دارد (فاکس^{۳۷}، ۲۰۰۱)، سازگار است. اگر مؤدیان باور داشته باشند که دولت به طور موثر از مالیات‌ها استفاده می‌کند، حتی ممکن است از پرداخت مالیات لذت ببرند، به ویژه اگر از برخی برنامه‌های مالیاتی دولتی بهره‌مند شوند (بروکس^{۳۸}، ۲۰۰۷). تحقیقات نشان می‌دهد زمانی که مؤدی به طور مستقیم در مورد اینکه چگونه مالیات‌هایشان صرف می‌شود دارای «امکان انتخاب (حق رای)^{۳۹}» می‌شوند، به تمکین مالیاتی بیشتر تمایل دارند (کاسال^{۴۰} و همکاران، ۲۰۱۶؛ لامبرتون^{۴۱} و همکاران، ۲۰۱۸).

بنابراین آگاهی و اطلاع عمومی از محل تخصیص درآمدهای مالیاتی یا چگونگی توزیع این درآمدها را می‌توان از دو روش برای مؤدیان حاصل نمود. در روش نخست، اعلام عمومی محل تخصیص و توزیع

37. Fox
38. Brooks
39. voice
40. Casal
41. Lamberton

42. Giacobasso

هزینه‌کرد مالیات و فاصله جغرافیایی بر تمکین مالیات پرداختند. نتایج نشان داد آگاهی مؤدیان در خصوص هزینه‌کرد مالیات و عدم وجود فاصله بین محل اخذ مالیات و محل هزینه‌کرد درآمد مالیاتی به طور غیرمستقیم بر تمکین مالیاتی تأثیر می‌گذارد. اسفاو و سبحات^{۴۴} (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی تمکین مالیاتی و عوامل موثر بر آن در کسب و کارهای مناطق مختلف کشور اتیوپی، پرداختند. داده‌های پژوهش مذکور، با استفاده از پرسشنامه‌های ساختارمند، از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده به تعداد ۳۱۱ نمونه جمع‌آوری شده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و مدل اقتصادسنجی لجستیک مورد بررسی قرار گرفت. نتایج رگرسیون نشان داد که سطح تحصیلات، دانش و آگاهی مؤدیان، سادگی سیستم مالیاتی، نگرش مؤدیان نسبت به مالیات، آگاهی مؤدیان از نحوه هزینه‌کرد دولت، و مشوقهای مالیاتی برای مؤدیان خوش حساب تأثیر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی دارند. بنابراین، دولت بایستی در خصوص چگونگی تخصیص درآمد حاصل از وصول مالیات شفاف‌سازی کرده تا با افزایش اعتماد مؤدیان به سیستم مالیاتی، موجب افزایش تمکین مالیاتی شود. در خصوص تأثیر انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. در این حوزه، عبدلنابی^{۴۵} و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر دو متغیر «مکان انتخاب^{۴۶}» و «حمایت مؤدی^{۴۷}» بر تمکین مالیاتی پرداختند. آنها در این پژوهش، با استفاده از ۲۷۳ نمونه که به طور تصادفی انتخاب

گروه دوم مؤدیانی بودند که از مدارس دولتی استفاده نمی‌کردند. نتایج نشان داد اگر مؤدیان مالیاتی بر این باور باشند که خدمات دولتی (از جمله تامین بودجه مدارس دولتی) از طریق مالیات آنها تأمین می‌شود و منفعت شخصی برای آنها دارد، تمایل بیشتری به پرداخت مالیات دارند. تریفان^{۴۳} و همکاران (۲۰۲۳) نیز در مطالعه خود، به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر تمکین مالیاتی در بین مودیان در کشور رومانی پرداختند. ایشان در پژوهش خود به بررسی تأثیر ۹ عامل (عدالت سیستم مالیاتی، اعتماد به دولت و مقامات مالیاتی، کارایی و آگاهی مؤدیان به صورت شفاف از هزینه‌کرد دولت، آگاهی از قوانین مالیاتی، سادگی قوانین مالیاتی، محدودیت‌های مالی شخصی، اخلاق شخصی و استانداردهای اخلاقی، محیط اجتماعی و اقدامات اجباری)، بر افزایش تمکین مالیاتی پرداختند. نمونه مورد بررسی ایشان، ۴۰۲ مؤدی مالیاتی بود. تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی انجام شد. نتایج نشان داد که هفت عامل (عدالت سیستم مالیاتی، اعتماد به دولت و مقامات مالیاتی، آگاهی از قوانین مالیاتی، محدودیت‌های مالی شخصی، اقدامات قهری، استانداردهای اخلاقی و سادگی قوانین مالیاتی) عوامل مهمی هستند که احتمال تمکین مالیاتی را در بین افراد افزایش می‌دهند. همچنین، آرزادن و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم آگاهی مؤدیان در خصوص نحوه هزینه‌کرد مالیات و فاصله جغرافیایی محل هزینه‌کرد مالیات بر تمکین مالیاتی پرداختند. ایشان با استفاده از ۱۷۵ نمونه، به تجزیه و تحلیل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آگاهی در خصوص نحوه

44. Assfaw & Sebhah

45. AbdelNabi

46. voice

47. empathy

43. Trifan

تأثیر هر دو متغیر آگاهی مؤدیان از نحوه تخصیص درآمدهای مالیاتی (روش هزینه‌کرد بودجه توسط دولت) و امکان انتخاب مؤدیان در مورد تخصیص درآمد مالیاتی به انواع کالاهای عمومی بر تمکین مالیاتی پرداختند. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل‌های آماری غیر پارامتریک و همچنین رگرسیون‌های چند متغیره است. نتایج به وضوح نشان می‌دهند در صورتی که شفافیت کاملی در مورد هزینه‌کرد بودجه وجود داشته باشد و مؤدیان قدرت تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از مالیات خود را داشته باشند، در نظام‌های مالیاتی با میزان حساسی کمتر، تمکین مالیاتی بیشتر خواهد بود. البته این مساله با افزایش اعتماد به سازمان مالیاتی در نظامی که میزان حساسی بالا است، هیچ تأثیری بر تمکین مالیاتی ندارد.

بنابراین طبق نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط جیاسکوباس و همکاران (۲۰۲۳)، آرزادن و همکاران (۲۰۲۰) و اسفاو و سبحات (۲۰۱۹)، متغیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت بر تمکین مالیاتی تأثیر معنادار دارد. همچنین با عنایت به نتایج مطالعات عبدالنابی و همکاران (۲۰۲۲)، اسجو برگ و همکاران (۲۰۱۹) و لمبرتون و همکاران (۲۰۱۸)، متغیر انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین تأثیر مثبت و معناداری دارد. با توجه به عدم وجود مطالعات در این حوزه در ایران، بررسی پیشینه پژوهشی در سایر کشورها نشان می‌دهد که شواهد تاییدکننده‌ای در مورد تأثیرگذاری دو متغیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی وجود دارد. این یافته‌ها می‌تواند منجر به افزایش تمکین مالیاتی و

شدند و نیز با رهیافت رگرسیونی و استفاده از تابع لجستیک به تخمین روابط مذکور در کشور مصر پرداختند. نتایج نشان داد امکان انتخاب و حق رای در فرآیند تصمیم‌گیری، بر تمکین تأثیر مثبت می‌گذارد. همچنین در صورتی که نحوه هزینه‌کرد مخارج عمومی با استفاده از مالیات پرداختی مؤدیان، همراستا با ترجیحات مؤدیان باشد، بر رفتار تمکین تأثیر مثبت خواهد داشت. اسجو برگ^{۴۸} و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های یک نظرسنجی آنلاین که ۵۰ کشور را در بر گرفت، به بررسی تأثیر اخلاق مالیاتی از کانال متغیر امکان انتخاب یا حق رای که به مؤدیان اجازه می‌داد ترجیحات و اولویت‌های خود برای هزینه‌کرد مالیات را بیان کنند، پرداختند. نتایج برآورد رگرسیون حداقل مربعات معمولی نشان داد هنگامی که به مؤدیان اجازه داده می‌شود اولویت‌های مخارج خود را به دولت بیان کنند، پیشرفت‌های قابل توجهی در اخلاق مالیاتی حاصل می‌گردد. یافته‌ها با تئوری‌هایی که بر نقش ادراکات مشروعیت در ایجاد تمکین داوطلبانه مالیاتی تأکید می‌کنند، سازگار است. لمبرتون^{۴۹} و همکاران (۲۰۱۸) نیز به بررسی تأثیر امکان انتخاب بر تمکین مؤدیان در آمریکا با استفاده از ۱۸۹ نمونه تصادفی و به کارگیری رگرسیون لجستیک پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که اطلاع مودی از نحوه هزینه‌کرد دولت به تنهایی قادر به افزایش تمکین نخواهد بود زیرا که ممکن است نحوه هزینه‌کرد دولت با ترجیحات مودی همراستا نباشد، ولی ارائه امکان انتخاب به مؤدیان برای بیان ترجیحات منجر به افزایش ۱۶ درصدی در تمکین مالیاتی می‌شود.

در نهایت، دجاوادی و فهر^{۵۰} (۲۰۱۳) به بررسی

48. Sjoberg
49. Lambertson
50. Djawadi& Fahr

اجرای موفق سیاستگذاری‌های مالیاتی گردد.

حاضر یک تحقیق کاربردی است که راهکارهایی را برای افزایش تمکین مؤدیان مالیاتی ارائه می‌دهد. در راستای دستیابی به راهکارهای مناسب برای حل مساله پژوهش بایستی به جمع‌آوری داده‌هایی اقدام نمود تا بتوان به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخت. بدین منظور داده‌ها به صورت میدانی جمع‌آوری شدند. در پژوهش‌های میدانی، متغیرها در صحنه واقعی مورد بررسی قرار می‌گیرند، از این رو قالب پژوهش‌های میدانی راهبردی برای تحقیقات کاربردی مناسب و هماهنگ است. به منظور کسب نتایج لازم، مراحل با توالی مشخص اجرایی می‌شود. البته لازم به ذکر است که تمامی مراحل در ارتباط با هم هستند. در تحقیق حاضر پس از طراحی مدل مفهومی، داده‌ها به صورت میدانی و پرسشنامه‌ای جمع‌آوری گردید.

سوالات پژوهش

دو پرسش‌های اصلی پژوهش به شرح ذیل است.
 ۱- آیا آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی تأثیری بر میزان تمکین مؤدیان مالیاتی دارد؟
 ۲- آیا تعیین محل هزینه‌کرد بخشی از مالیات‌های پرداختی توسط خود مؤدی، تأثیری بر میزان تمکین مؤدیان مالیاتی دارد؟

چارچوب مفهومی

با عنایت به موارد مطروحه در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، در نظام مالیاتی ایران نیز می‌توان ارتباط میان افزایش آگاهی مؤدیان از محل تخصیص و چگونگی توزیع درآمدهای مالیاتی با ارتقاء سطح تمکین داوطلبانه ایشان را مفروض دانست. در این راستا هدف از تحقیق حاضر، بررسی تأثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و تأثیر انتخاب مؤدیان در خصوص محل

با عنایت به اهمیت موضوع تمکین مالیاتی در ایران، ضروری است براساس مبانی نظری موجود و نتایج حاصل از مطالعات پیشین، به تدوین پرسش‌های تحقیق پرداخته شود. نتایج حاصل از مطالعات پیشین، بر نقش با اهمیت دو متغیر «آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی» و «انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات پرداختی توسط مؤدیان» بر تمکین مالیاتی تاکید نموده‌اند. بنابراین با توجه به نتایج بررسی پیشینه تحقیق و مبانی نظری موجود، در پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان اثرگذاری آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی و نیز انتخاب محل هزینه‌کرد مالیات پرداختی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی، به طراحی دو پرسش اصلی پژوهش به شرح ذیل پرداخته می‌شود. همچنین در ادامه، براساس مباحث ارائه شده در بخش مبانی نظری و نیز نتایج حاصل از مطالعات پیشین، مدل مفهومی پژوهش ارائه خواهد شد.

روش پژوهش

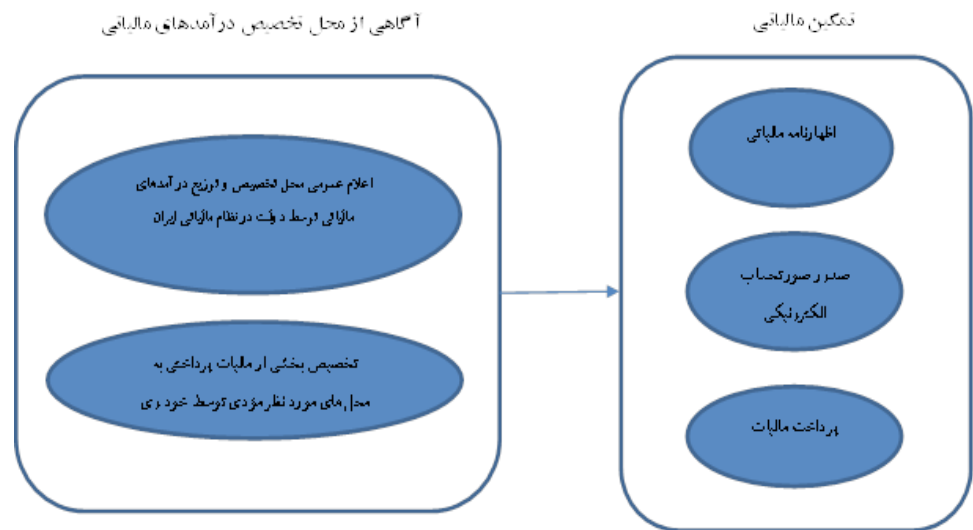
روش تحقیق فرآیندی نظام‌مند به منظور پاسخگویی به پرسش تحقیق است. انتخاب روش تحقیق مناسب، با توجه به اهداف و موضوع پژوهش و نیز امکان اجرایی شدن آن صورت می‌پذیرد. بنابراین هدف از تعیین روش تحقیق مناسب، مشخص نمودن روشی است که بتوان به سوالات پژوهش به سهولت دست یافت. در پژوهش حاضر به منظور گردآوری ادبیات موضوع و پیشینه، از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و مدارک استفاده شده است. هدف از تحقیق حاضر رفع چالش‌هایی است که در جامعه در خصوص مطالبات جدی شهروندان از دولت و سازمان امور مالیاتی با آن مواجه هستیم. تحقیق

ساخته استفاده شده است که سوالات دارای ارتباط دقیق با موضوع پژوهش بوده و نیز براساس مبانی نظری ارائه شده در بخش مدل مفهومی تدوین شده‌اند. نوع سوالات پرسشنامه شامل پرسش‌های اطلاعاتی (درباره مشخصات افراد که قبل از سوالات اصلی تحقیق مطرح شده اند)، پرسش‌هایی درباره فعالیت، پرسش‌های دانشی (میزان دانش درباره موضوع)، پرسش‌های ساده و مرکب می باشد که شیوه طرح سوالات نیز به صورت پرسش‌های بسته است. در این راستا از سوالات مبهم و نامفهوم پرهیز شد تا پاسخ‌دهندگان به آسانی قادر به درک مفاهیم سوالها باشند. در برخی موارد نیز مفاهیم مرتبط با قانون مالیات‌ها توضیح داده شد. مقیاس مورد استفاده در پرسشنامه پژوهش حاضر، مقیاس لیکرت

خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود بر تمکین مالیاتی می‌باشد. همچنین به منظور سنجش تمکین مالیاتی می‌توان از شاخص‌ها و مؤلفه‌های تمکین همچون تسلیم اظهارنامه مالیاتی در بخش مالیات بر عملکرد و مالیات بر ارزش افزوده، میزان مالیات پرداختی و همچنین صدور صورتحساب الکترونیکی موضوع قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان و قانون مالیات بر ارزش افزوده استفاده نمود. با توجه به نکات مطرح شده، مدل مفهومی پژوهش حاضر صورت شکل (۱) پیشنهاد می‌شود.

تدوین پرسشنامه و تعیین روش نمونه‌گیری

در این تحقیق با توجه به ماهیت اهداف، به منظور گردآوری اطلاعات، از سه نوع پرسشنامه محقق



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (اثرگذاری میزان آگاهی از محل تخصیص درآمدهای مالیاتی بر سطح تمکین مؤدیان)

منبع: یافته‌های پژوهش

بیانگر تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین پژوهشگر برای وجود آن صفت در جامعه می باشد. لازم به ذکر است که این عامل تعیین کننده دقت نمونه گیری است.

با در نظر گرفتن موارد فوق، در این پژوهش نمونه مورد انتخاب ۴۵۰ نفر از استان های منتخب تعیین شده است. با توجه به موضوع مورد مطالعه، از سه نوع پرسشنامه استفاده شده که تعداد نمونه مورد انتخاب به طور مساوی به سه گروه ۱۵۰ نفری تقسیم شده است. پرسشنامه های مذکور به یک گروه تحت کنترل و دو گروه تحت آزمایش^{۵۱} تقسیم شده اند به طوری که در گروه های آزمایش، اثر دو متغیر «آگاهی مؤدیان از محل هزینه کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت» و «انتخاب مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود» سنجیده شد و در نهایت همه آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نمونه آماری تحقیق از مؤدیان سراسر کشور بر اساس روش طبقه بندی شده و به صورت اتفاقی انتخاب شدند. بر اساس دستورالعمل شماره ۹۷۷۹۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۲ استان های کشور با توجه به امکانات و شاخص های موثر و به لحاظ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین شرایط جوی، به ۵ گروه تقسیم شده اند. در این پژوهش از هر گروه، سه استان انتخاب و به هر کدام از استان های منتخب، ۳۰ پرسشنامه تخصیص داده شد. نکته حائز اهمیت آن است که در هر کدام از گروه های پنجگانه، هر سه نوع پرسشنامه به تعداد مساوی توزیع شد.

بررسی روایی و پایایی ابزار پژوهش

در راستای بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد یافته ها از دو

است. این مقیاس شامل دو حد نهایی خیلی زیاد و خیلی کم است که به صورت ۵ گزینه ای در نظر گرفته شده است. در راستای انجام تحقیقات رفتاری، استفاده از مقیاس لیکرت رایج بوده و در عین حال دارای بیشترین کارایی می باشد.

جامعه هدف شامل افرادی است که دارای یک خصیصه مشترک باشند به طوری که بتوان آن جامعه را از سایرین تفکیک نمود. جامعه آماری این پژوهش مؤدیان مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی در کل کشور می باشند. با عنایت به اینکه هدف از مطالعه پژوهشی، بررسی نمونه و در نهایت تعمیم نتایج آن به جامعه است. بنابراین بایستی نمونه را به گونه ای انتخاب نمود که معرف قابل قبولی از جامعه باشد. در پژوهش حاضر، از نمونه گیری طبقه بندی شده و اتفاقی (در دسترس) در هر طبقه استفاده شده است. در اکثر پژوهش ها به دلیل وجود محدودیت های منابع مالی، انسانی و زمان، نیاز به وجود فرمولهایی است که بتوان با استفاده از آن، حداقل حجم نمونه ها را مشخص نمود. در پژوهش حاضر، با استفاده از فرمول کوکران، میزان حجم نمونه به شرح زیر مشخص شد.

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2} \div \left[1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right] \right]$$

N: میزان حجم جامعه

آماره: p درصد توزیع صفت مورد مطالعه در جامعه
 آماره: q درصد افرادی که فاقد صفت مد نظر هستند
 آماره: Z در سطح خطای ۵٪ برابر با ۱/۹۶ و نیز
 میزان Z۲ برابر با ۳/۸۴۱ است. همچنین آماره d

51. treatments

جدول ۱- گروه‌بندی استان‌های کشور

ردیف	نام گروه	استان‌ها
۱	گروه یک	شهر تهران (اداره کل شمال- مرکز- جنوب- شرق و غرب تهران)
۲	گروه دو	آذربایجان شرقی- البرز- خراسان رضوی- اصفهان- فارس- قزوین- گیلان- مازندران- هرمزگان- استان تهران به غیر از شهر تهران
۳	گروه سه	آذربایجان غربی- کرمان- گلستان- سمنان- زنجان- قم- همدان- مرکزی- یزد- بوشهر- خوزستان
۴	گروه چهار	چهار محال و بختیاری- کرمانشاه- لرستان- خراسان شمالی- اردبیل
۵	گروه پنج	سیستان و بلوچستان- خراسان جنوبی- کردستان- ایلام- کهگیلویه و بویر احمد

منبع: دستورالعمل شماره ۹۷۷۹۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۲ تقسیم بندی استان‌های کشور

جدول ۲- استان‌های منتخب

ردیف	نام گروه	استان‌ها
۱	گروه یک	اداره کل شمال تهران- مرکز تهران- اداره کل مؤدیان بزرگ
۲	گروه دو	غرب استان تهران- اصفهان- خراسان رضوی
۳	گروه سه	آذربایجان غربی- کرمان- خوزستان
۴	گروه چهار	کرمانشاه- لرستان- خراسان شمالی
۵	گروه پنج	ایلام- کردستان- کهگیلویه و بویر احمد

منبع: یافته‌های پژوهش

ضرورتی ندارد» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی نمایند. با توجه به پاسخ‌های دریافت شده شاخص مزبور طبق فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{n_e - N/2}{N/2}$$

که در آن تعداد خبرگانی است که به گویه ضروری است پاسخ داده‌اند و N تعداد کل خبرگان است. با عنایت به اینکه تعداد خبرگان ۸ نفر بودند مقدار CVR قابل قبول ۰/۷۵ است. در جدول زیر مقادیر

مفهوم روایی و پایایی استفاده شده است. منظور از روایی در پژوهش این است که ابزار اندازه‌گیری (پرسشنامه) بتواند ویژگی هدف‌گذاری شده متغیر را به درستی اندازه‌گیری کند. بدین منظور به بررسی روایی محتوایی پرداخته شد. روایی محتوایی به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل «آیا مقیاس مورد نظر، مناسب اندازه‌گیری متغیر است؟» و «آیا خبرگان تایید می‌کنند که پرسشنامه متغیر مورد نظر را می‌سنجد؟» و ...

برای تعیین نسبت روایی محتوایی (CVR) از ۸ نفر از خبرگان دانشگاهی و نظام مالیاتی درخواست گردید تا هر یک از سؤالات را براساس طیف سه قسمتی «گویه ضروری است»، «گویه مفید است ولی

جدول ۳- مقادیر CVR و نتایج پذیرش یارد سوالات پرسشنامه

شماره سوال	پرسشنامه	مقدار CVR	پذیرش یارد
۵	نوع اول	۰/۹	پذیرش
	نوع دوم	۰/۹	پذیرش
	نوع سوم	۰/۸	پذیرش
۶	نوع اول	۰/۹	پذیرش
	نوع دوم	۰/۸	پذیرش
	نوع سوم	۰/۸	پذیرش
۷	نوع اول	۰/۹	پذیرش
	نوع دوم	۰/۹	پذیرش
	نوع سوم	۰/۹	پذیرش

منبع: یافته‌های پژوهش
یافته‌های پژوهش
بررسی رابطه بین متغیرها و نتایج حاصل از تخمین

برای بررسی روابط متغیرها، با عنایت به ماهیت متغیر وابسته (سطح تمکین مؤدیان مالیاتی) که به صورت یک متغیر کیفی سنجیده شده است، از مدل لاجیت ترتیبی در نرم افزار استاتا^{۵۲} استفاده گردید. به طور کلی متغیر وابسته می‌تواند یک متغیر کیفی باشد که نتیجه تصمیم‌گیری‌های افراد را نشان بدهد. هر یک از این تصمیمات و تصمیمات مشابه، وابسته به ویژگی‌های فردی است که این ویژگی‌ها همان متغیرهای توضیحی می‌باشند.

CVR محاسبه برای هر پرسش محاسبه شده است. در ادامه به بررسی پایایی پرداخته شد. پایایی پرسشنامه نشان می‌دهد آیا نتایج استخراج شده در طول زمان با ثبات است و در صورت تکرار، می‌توان به نتایج مشابهی دست یافت؟ در این تحقیق جهت تعیین پایایی، هر سه نوع پرسشنامه تدوین شده در بین ۳۰ نفر توزیع و تکمیل و در مرحله بعد، به منظور سنجش قابلیت اعتماد آن، از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسشنامه نوع اول، ۰/۸۶ درصد، پرسشنامه نوع دوم، ۰/۸۱ و پرسشنامه نوع سوم، ۰/۸۷ محاسبه شد که نشان می‌دهند پرسشنامه‌ها از پایایی لازم برخوردار هستند.

$$Tax\ Compliance = \alpha_0 + \alpha_1 Income + \alpha_2 Education + \alpha_3 Information + \alpha_4 Choice$$

52. STATA

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد مدل لاجیت ترتیبی (متغیر وابسته: سطح تمکین مالیاتی)

متغیرها	ضرایب	نسبت‌احتمالها	احتمال معناداری
Information	۰/۷۸۴۹	۲/۱۹۲۳	۰/۰۰۱
choice	۰/۶۹۲۶	۱/۹۹۸۹	۰/۰۰۲
Income	۰/۶۱۴۹	۱/۸۴۹۶	۰/۰۰۰
Education	۰/۲۴۴۲	۱/۲۷۶۵	۰/۰۰۴
آستانه اول	-۲/۸۶۰۳	-۲/۸۶۰۳	-
آستانه دوم	-۱/۳۷۰۱	-۱/۳۷۰۱	-
آستانه سوم	۰/۱۱۳۲	۰/۱۱۳۲	-
آستانه چهارم	۲/۲۲۵۰	۲/۲۲۵۰	-
LR chi2 (۴)	۴۸/۲۱	Prob chi2	۰/۰۰۰
deviance آماره	۱۷۴/۳۷۰	Prob deviance	۱/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش بر مبنای نرم افزار STATA

تمکین مؤدیان مالیاتی دارند. همچنین به منظور بررسی نیکویی برازش مدل، از آزمون دویانس با فرضیه صفر برازش مناسب داده‌ها توسط الگوی حاضر استفاده شد. با عنایت به آماره محاسباتی این آزمون، داده‌ها در این الگو به صورت مناسب برازش شده‌اند.

در واکنش به افزایش آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت، احتمال اینکه مؤدی سطح تمکین «خیلی زیاد» را انتخاب نماید، افزایش می‌یابد. در حالیکه احتمال اینکه مؤدی سایر سطوح تمکین را انتخاب کند، کاهش می‌یابد. همچنین با فراهم شدن امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود، احتمال انتخاب سطح تمکین

Tax Compliance: سطح تمکین مالیاتی

Income: طبقه درآمد سالانه مؤدی

Education: تحصیلات

Information: آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت

choice: امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود

نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد که متغیرهای ۱- آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت، ۲- امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود، ۳- طبقه درآمد سالانه مؤدی و ۴- سطح تحصیلات تاثیر مثبت و معناداری بر سطح

جدول ۵- اثرات نهایی تغییر متغیرهای توضیحی

متغیر توضیحی	خیلی زیاد	زیاد	تا حدودی	کم	خیلی کم
آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت	*۰/۱۷۶	*-۰/۰۸۵	*-۰/۰۶۳	*-۰/۰۲۱	**۰/۰۰۷
امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود	*۰/۱۵۶	*-۰/۰۷۵	*-۰/۰۵۵	*-۰/۰۱۸	**۰/۰۰۶
طبقه درآمدی سالانه مؤدی	*۰/۱۳۸	*-۰/۰۶۷	*-۰/۰۴۹	*-۰/۰۱۶	**۰/۰۰۵
سطح تحصیلات	*۰/۰۵۵	*-۰/۰۲۶	*-۰/۰۱۹	*-۰/۰۰۰	**۰/۰۰۲

منبع: محاسبات پژوهش بر مبنای نرم افزار STATA

*، **، *** به ترتیب ضرایب در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ معنادار هستند.

پس از درآمد حاصل از فروش نفت، بیشترین سهم درآمد دولت را به خود اختصاص داده است البته در سال‌های اخیر به دلیل تحریم فروش نفت، اهمیت مالیات به عنوان مهمترین منبع درآمدی دولت، بسیار مورد تاکید بوده است به گونه‌ای که در سال ۱۴۰۲، نسبت مالیات به منابع بودجه عمومی و نسبت نفت به منابع بودجه عمومی به ترتیب برابر با ۵۰ و ۲۲ درصد بوده است. نکته حائز اهمیت آن است که با توجه به شرایط اقتصاد ایران و نیز بالا بودن حجم فرار مالیاتی در کشور، مقوله فرار به عنوان چالشی است که میزان مالیات‌ستانی را تحت تاثیر قرار داده و در نتیجه رسیدن به اهداف رشد را با مشکل مواجه نمودهاست.

طبق یافته‌های بزرگ‌ری و همکاران (۱۴۰۲)، میزان فرار مالیاتی با استفاده از روش شاخص چندگانه-علل چندگانه در سال ۱۴۰۰، ۱۳۸۸،۸۳۳ میلیارد ریال برآورد شده و نسبت فرار مالیاتی به درآمدهای مالیاتی در این سال ۴۲ درصد بدست آمده است. این نتایج بیانگر ضرورت اتخاذ خط‌مشی‌های اثربخش برای کاهش میزان فرار مالیاتی و پیامدهای مخرب آن بر اقتصاد کشور است. از اینرو با عنایت به

«خیلی زیاد» افزایش می‌یابد. در خصوص متغیرهای طبقه درآمدی سالانه مؤدی و سطح تحصیلات، نیز افزایش درآمد و سطح تحصیلات بالاتر، موجب افزایش احتمال قرارگیری در طبقه تمکین «خیلی زیاد» خواهد شد.

لازم به ذکر است در خصوص تاثیر مثبت و معنادار متغیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت بر تمکین مالیاتی، نتایج پژوهش حاضر هم‌اوا با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط جیاسکوباس و همکاران (۲۰۲۳)، آرزادان و همکاران (۲۰۲۰) و اسفاو و سبحات (۲۰۱۹) است. همچنین در مورد تاثیر متغیر انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی، نتایج مطالعات عبدالنابی و همکاران (۲۰۲۲)، اسجوربرگ و همکاران (۲۰۱۹) و لمبرتون و همکاران (۲۰۱۸)، نتیجه تحقیق حاضر را تایید می‌نماید.

درآمدهای مالیاتی پایدار از مهمترین منابع تامین مالی دولت‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای به شمار می‌روند. در ایران نیز طی سال‌های متمادی، مالیات

بخشی از مالیات پرداختی خود، بر تمکین مودیان تاثیر به سزایی دارند. استفاده از چنین پژوهش‌هایی برای سیاستگذاران در راستای افزایش تمکین مودیان و مهار فرار مالیاتی بسیار ضروری است. با توجه به شرایط کنونی نظام مالیاتی، شهروندان اطلاع دقیقی از محل هزینه‌کرد مالیات‌ها ندارند. همچنین قابلیت امکان تخصیص بخشی از مالیات پرداختی به محل‌های مورد نظر مؤدی توسط خود وی نیز در نظام مالیاتی فراهم نیست. بنابراین می‌توان اینگونه استنباط نمود که بهره‌گیری از سازوکارهای اطلاع‌رسانی و نیز واگذاری اختیار انتخاب محل خرج کرد مالیات پرداختی به مودیان می‌تواند موجب افزایش سطح تمکین مودیان و در نتیجه کاهش فرار مالیاتی گردد. شواهد موجود در ایران بیانگر آن است که مودیان همواره خواستار مشارکت بیشتر و تاثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های مرتبط هستند. این موضوع در نظرسنجی‌های انجام شده در پژوهش حاضر به وضوح مشاهده می‌شود. مودیان انتظار دارند که چگونگی هزینه‌کرد مالیات‌های پرداختی آنها بیشتر مورد توجه قرار گیرد و در این خصوص حق انتخاب آنها نیز در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی

با عنایت به پژوهش‌های صورت گرفته، تمکین مالیاتی موضوع پیچیده‌ای بوده و تحت تاثیر متغیرهای متعددی است. رویکردهای مختلف در خصوص تجزیه و تحلیل رفتار تمکین مالیاتی نشان داده‌است که تصمیم مودیان برای تمکین صرفاً تحت تاثیر مؤلفه‌های اقتصادی نبوده و عوامل دیگری نیز در این تصمیم‌گیریها دخیل هستند. نشان دادن مزایای اجتماعی مالیات به مودیان می‌تواند به تغییر دیدگاه آنها نسبت به مالیات مؤثر باشد. اگر مودیان مطلع شوند که مالیات‌ها موجب بهبود زندگی

ضرورت موضوع، لازم است دولت‌ها به منظور افزایش تمکین مودیان مالیاتی و در نتیجه کاهش میزان فرار مالیاتی اقدامات مدیریتی و سیاستگذاری جامعی را مورد توجه قرار دهند. تحقق درآمدهای مالیاتی نیازمند مشارکت گسترده شهروندان است؛ اما برای تحقق این مشارکت و نهادینه‌سازی فرهنگ مالیاتی، جلب اعتماد عمومی و بازیابی سرمایه اجتماعی از طریق ارائه اطلاعات شفاف و پاسخگویی دولت درباره نحوه هزینه‌کرد مالیات‌ها توسط دستگاه‌های ذی‌ربط امری ضروری است. ارتقای شفافیت در ارائه گزارش‌های مربوط به هزینه‌کرد مالیات‌ها از سوی دولت، امکان تعمیق مشارکت مردمی در نظام مالیاتی و توسعه فرهنگ مالیاتی را فراهم می‌آورد. در شرایط فعلی ایران، شهروندان اطلاع دقیقی از محل هزینه‌کرد مالیات‌های پرداختی خود ندارند و چنین عنوان می‌شود که در قبال پرداخت مالیات توسط شهروندان، دولت خدمات متناسبی ارائه نمی‌دهد که این مسئله منجر به کاهش اعتماد به سیاست‌های مالی و اقتصادی دولت و نارضایتی شهروندان از پرداخت مالیات شده‌است. در صورتی که اگر دولت شفاف‌سازی نموده و مودیان را از محل هزینه‌کرد مالیات‌ها مطلع کند و در نتیجه مردم به این باور برسند که مالیات پرداختی آنها برای بهبود وضعیت اجتماعی و افزایش رفاه عمومی هزینه می‌شود، در این صورت زمینه افزایش مشارکت مردم در نظام مالیاتی فراهم خواهد شد و این امر می‌تواند بازیابی سرمایه اجتماعی نظام مالیاتی کشور را رقم بزند.

نتایج حاصل از تحقیق حاضر و نیز نتایج مطالعات پیشین در خصوص سایر نظام‌های مالیاتی گویای این مطلب است که دو متغیر آگاهی مودیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و امکان تخصیص توسط مودیان در خصوص محل خرج کرد

احتمال اینکه مؤدی سطح تمکین «خیلی زیاد» را انتخاب نماید، افزایش می‌یابد. در حالیکه احتمال اینکه مؤدی سایر سطوح تمکین را انتخاب کند، کاهش می‌یابد. در خصوص اثرات نهایی در رابطه با فراهم شدن امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود، نیز احتمال انتخاب سطح تمکین «خیلی زیاد» افزایش یافت. همچنین متغیرهای سطح تحصیلات و درآمد سالانه مؤدیان تاثیر مثبت و معنادار بر متغیر وابسته تمکین دارند.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر و نیز با توجه به نقش ذینفعان مختلف در مرحله اجرا، ارزیابی و سیاستگذاری، پیشنهادات سیاستی در دو حوزه اعلام عمومی محل تخصیص و توزیع درآمدهای مالیاتی و نیز تخصیص بخشی از مالیات پرداختی به محل‌های مورد نظر مؤدی توسط خود وی به شرح زیر ارائه می‌شود.

- پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی کشور به منظور آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی، از طریق ابزارهای ارتباطی اینترنتی و تعامل محور و نیز ارائه گزارش‌های شفاف از طریق رسانه ملی، هر ساله نحوه هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی را اعلام عمومی نماید.

- به منظور تخصیص بخشی از مالیات پرداختی توسط مؤدیان، لازم است فهرستی از طرح‌های اولویت‌دار در حوزه‌های مختلف از جمله سلامت، آموزش، گردشگری، آب و فاضلاب و راه و ترابری مشخص گردد. پیشنهاد می‌شود سازمان برنامه و بودجه کشور با همکاری استانداردها، هر ساله فهرست مذکور را به سازمان امور مالیاتی معرفی نماید.

- پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی بستر مورد نیاز در خصوص نحوه انتخاب طرح‌های مورد

اجتماعی و اقتصادی ایشان می‌شوند، دیدگاه آن‌ها نسبت به مالیات تغییر خواهد کرد و از این رو تعهد بیشتری نسبت به پرداخت مالیات خواهند داشت. اطلاع‌رسانی به مؤدیان در خصوص محل تخصیص درآمدهای مالیاتی، را می‌توان به دو طریق اعلام عمومی محل تخصیص درآمدهای مالیاتی توسط دولت و نیز فراهم نمودن امکان تخصیص بخشی از مالیات پرداختی به محل‌های مورد نظر مؤدی توسط خود وی حاصل نمود. در شرایط کنونی در ایران، شهروندان اطلاع دقیقی از محل هزینه‌کرد مالیات‌ها نداشته و نیز امکان تخصیص بخشی از مالیات پرداختی به محل‌های مورد نظر مؤدی توسط خود وی نیز در نظام مالیاتی فراهم نیست. همچنین با توجه به عدم وجود مطالعات جامع در هر دو حوزه در ایران، نوآوری پژوهش حاضر بررسی تاثیر آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و نیز امکان انتخاب محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط مؤدیان بر تمکین مالیاتی است که دستاورد حاصل از انجام این پژوهش، شناخت اثرگذاری انتخاب و آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد بخشی از مالیات بر سطح رضایت و تمکین داوطلبانه ایشان، در چارچوب پاسخگویی و تقویت مسئولیت اجتماعی دولت است که می‌تواند منجر به افزایش تمکین مالیاتی و اجرای موفق سیاستگذاری‌های مالیاتی گردد. نتایج حاصل از برآورد با استفاده از رهیافت لاجیت ترتیبی نشان داد که دو اصل رفتاری آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت و امکان تخصیص توسط مؤدیان در خصوص محل خرج کرد بخشی از مالیات پرداختی خود بر تمکین مؤدیان دارای تاثیر مثبت و معناداری بر تمکین مالیاتی هستند. همچنین با بررسی اثرات نهایی افزایش آگاهی مؤدیان از محل هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی توسط دولت مشخص گردید

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در پژوهش حاضر، کلیه اصول اخلاق پژوهشی رعایت شده‌است.

حامی مالی

پژوهش حاضر هیچ کمک مالی دریافت نکرده‌است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند تحقیق حاضر، تعارض منافع ندارد.

نظر توسط مؤدیان را فراهم نماید تا با بسترسازی مناسب، مشارکت شهروندان در پرداخت مالیات و تمکین داوطلبانه به طور گسترده و همه‌گیر افزایش یابد. همچنین به منظور تحقق مشارکت کارآمد، بایستی شناخت همه جانبه‌ای از شرایط موجود صورت پذیرد و نیز قوانین مناسب تصویب شوند. در واقع قوانین مصوب باید زمینه حضور موثر و مشارکت واقعی مردم را فراهم نمایند (ابراهیمی کیاسری و همکاران، ۱۴۰۰).

- در صورت اجرایی شدن موارد مذکور، مؤدیان مالیاتی می‌توانند درصد مشخصی از بدهی مالیاتی خود را برای طرح‌های مشخص شده اختصاص دهند. پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مورد نیاز در این خصوص قبل از اجرا به مؤدیان مالیاتی ارائه شود.

- در راستای محقق شدن نتایج پژوهش، ضروری است نظارت‌های لازم از سوی دستگاه‌های نظارتی مربوطه در بازه‌های زمانی تعریف شده صورت پذیرد. در این راستا لازم است سازمان امور مالیاتی کشور گزارش‌های ادواری از مبالغ تخصیص یافته به هر طرح را به سازمان برنامه و بودجه ارائه نماید و سازمان برنامه و بودجه گزارش‌های ادواری مربوط به پیشرفت فیزیکی طرح‌های اولویت دار مذکور را از ارگان‌های ذی‌ربط مطالبه و نظارت نماید.

لازم به ذکر است از پیامدهای اجرای پیشنهادات سیاستی مذکور می‌توان به ایجاد اعتماد عمومی و ارتقاء فرهنگ مالیاتی در سایه مشروعیت بخشیدن به دولت در زمینه واگذاری اختیار عمومی برای هزینه‌کرد محل مالیات‌های پرداختی اشاره کرد.

منابع

منابع فارسی

- ابراهیمی کیاسری، ح، الوانی، س. م و معمارزاده، غ. ۱۴۰۲. طراحی الگوی مشارکت شهروندان در خط مشی های نظام آموزشی و پرورشی ایران با رویکرد چندروشی. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۳(۴۶)، ۶۶-۹۳.
- برزگری، م، هراتی، ا، بهیودی، ر، حاج محمدی، ف و بابائی، ن. ۱۴۰۲. حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی در ایران: تحلیلی در چارچوب روش تعادل عمومی پویا، تابع تقاضای پول و شاخص چندگانه- علل چندگانه. پژوهشنامه مالیات، همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، ۱۴۰۲، ۱۰۳-۱۲۷.
- قربانی زاده، و، معتضدیان، ر، حسین پور، ده و رهبر، ع. ۱۴۰۰. طراحی الگوی مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری با رویکرد چندروشی. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱۱(۳۹)، ۶۸-۹۲.
- موسوی، س.م. و مبارکی، م. ۱۳۹۶. بازنمایی رابطه بین نگرش به دولت و شهروندی اجتماعی فعال. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی ۷(۲۵)، ۱۵۷-۱۷۷.

References

- AbdelNabi, M., Wanas, K. and Mansour, S. 2022. "How can tax compliance be incentivized? An experimental examination of voice and empathy", *Review of Economics and Political Science*, Vol. 7 No. 2, pp. 87-107.
- Agbadi, S. B. 2011. *Determinants of Tax Compliance: A Case Study of VAT Flat Rate Scheme Traders in the Accra Metropolis*. A Thesis Submitted to the Institute of Distance Learning, Kwame Nkrumah University of Science and Technology, Kumasi, 1-93.
- Ahmed, A. & Kedir, S. 2015. *Tax Compliance and its Determinant: the Case of Jimma Zone, Ethiopia*. *International Journal of Research In Social Sciences*, 6(2), 7-21.
- Allingham, M. G., & Sandmo, A. 1972. *Income tax evasion: A theoretical analysis*. *Journal of Public Economics*, 1, 323-338.
- Alm, J. 2019. *What motivates tax compliance?* *Journal of Economic Surveys*, 33(2), 353-388.
- Alm, J., McClelland, G. H. and Schulze, W. D. 1999. *Changing the Social Norm of Tax Compliance by Voting*. *Kyklos*, Vol. 52(2): 141-171.
- Alm, James; Jackson, Betty R.; McKee, Michael (1993). "Fiscal exchange, collective decision institutions, and tax compliance". *Journal of Economic Behavior & Organization*. 22 (3): 285-303.
- Andreoni, J., Erard, B., & Feinstein, J. 1998. *Tax compliance*. *The Journal of Economic Literature*, 36, 818-860.
- Aronmwan, E. J., Imobhio, E., & Izedonmi, F. 2015. *Determinants of Ppersonal Income Tax Compliance: Perception of Nigerian Taxpayers*. Available at SSRN 2619855, (March), 1-18.
- Arzadun, P., Mora-Esquivel, R., Solís, M. 2020. "The effect of knowing how tax money is spent and the distance with tax revenue's potential beneficiaries on tax compliance", *Revista Academia & Negocios*, 6 (1), pp. 71-84.
- Assfaw, A.M., Sebhat, W. 2019. "Analysis of Tax Compliance and Its Determinants: Evidence from Kaffa, Bench Maji and Sheka Zones Category B Tax Payers, SNNPR, Ethiopia", *Journal of accounting, finance and auditing studies*, 2019-01, Vol.5 (1), p.32-58.
- Blanthorne, C., & Kaplan, S. 2008. *An egocentric model of the relations among the opportunity to underreport, social norms, ethical beliefs, and underreporting behavior*. *Accounting, Organizations and Society*, 33, 684-703.
- Bobek, D., Hageman, A. M., & Kelliher, C. F. 2013. *Analyzing the role of social norms in tax compliance behavior*. *Journal of Business Ethics*, 115, 451-468.
- Brooks, A. C. 2007. *Who really cares: The surprising truth about compassionate conservatism?* -Brown, Daniel J. 1979. "The Case for Tax-Target Plans". *Journal of Education Finance*. 5 (2). University of Illinois Press: 215-224.
- Casal, S., Kogler, C., Mittone, L., & Kirchler, E. 2016. *Tax compliance depends on voice of taxpayers*, *Journal of Economic Psychology*. *Journal of Economic Psychology*, 56, 141-150.
- Cialdini, R., & Trost, M. 1998. *Social influence: Social norms, conformity, and compliance*. In D. Gilbert, S. Fiske, & G. Lindzey (Eds.), *The handbook of social psychology* (4th ed.). Oxford University Press.

- Djawadi, M., Fahr, R. 2013. "The Impact of Tax Knowledge and Budget Spending Influence on Tax Compliance", IZA Discussion Paper No. 7255.
- Erard, B., & Feinstein, J. S. 1994. The role of moral sentiments and audit perceptions in tax compliance. *Public Finance*, 49, 70–89.
- Falsetta, D., Schafer, J. K., Tsakumis, G.T. 2024. "How Government Spending Impacts Tax Compliance". *Journal of Business Ethics*. 190:513–530.
- Falsetta Diana, J. K. S. And G. T. T. 2015. How Government Spending Impacts Tax Compliance. *Social Science Research Network*, 2, 3–18.
- Feld, L. P. and Frey, B. S. 2002. Trust breed's trust: How taxpayers are treated. *Economics of Governance*, Vol. 3(2): 87–99.
- Fischer, C. M., Wartick, M., & Mark, M. M. 1992. Detection probability and taxpayer compliance: A review of the literature. *Journal of Accounting Literature*, 11, 1–46.
- Fox, J. O. 2001. *If Americans really understood the income tax*. Westview Press.
- Gerxhani, K. and Wintrobe, R. 2021. "The Palgrave Handbook of Comparative Economics", Chapter: Understanding Tax Evasion: Combining the Public Choice and New Institutional Perspectives, 785-810.
- Giacobasso, M., Nathan, B. C., Perez-Truglia, R. and Zentne, A. 2023. "Where Do My Tax Dollars Go? Tax Morale Effects of Perceived Government Spending". NBER Working Paper No. 29789.
- Holler, M., Hoelzl, E., Kirchler, E., Leder, S., & Mannetti, L. 2008. Framing of information on the use of public finances, regulatory fit of recipients and tax compliance. *Journal of Economic Psychology*, 29(4), 597-611
- Jackson, B. R., & Milliron, V. C. 1986. Tax compliance research: Findings, problems, and prospects. *Journal of Accounting Literature*, 5, 125–165.
- Jayawardane, D., & Low, K. 2016. Taxpayer Attitude and Tax Compliance Decision in Sri Lanka. *International Journal of Arts & Commerce*, 5(2), 124–135.
- Kim, C. K., Evans, J. H., & Moser, D. V. 2005. Economic and equity effects on tax reporting decisions. *Accounting, Organizations and Society*, 30, 609–625.
- Kirchler, E., Hoelzl, E., & Wahl, I. 2008. Enforced versus voluntary tax compliance: The "slippery slope" framework. *Journal of Economic Psychology*, 29(2), 210–225.
- Kogut, T., & Ritov, I. 2005. The "identified victim" effect: An identified group, or just a single individual? *Journal of Behavioral Decision Making*, 18(3), 157-167.
- Lambertson, C., De Neve, J., & Norton, M. 2018. The power of voice in stimulating morality: Eliciting taxpayer preferences increases tax compliance. *Journal of Consumer Psychology*, 28(2).
- Luttmer, E. F. P., & Singhal, M. 2014. Tax morale. *Journal of Economic Perspectives*, 28, 149–168.
- Modugu, K. P., & Anyaduba, J. O. 2014. Impact of Tax Audit on Tax Compliance in Nigeria. *International Journal of Business and Social Science*, 5(9), 207–215.
- OECD. 2021. *Building Tax Culture, Compliance and Citizenship: A Global Source Book on Taxpayer Education*, Second Edition, OECD Publishing, Paris,

- <https://doi.org/10.1787/18585eb1-en>.
- Palil, M. R., & Mustapha, A. F. 2011. Factors Affecting Tax Compliance Behaviour in Self-Assessment System, 5(33), 12864–12872.
 - Paper, C., Gadi, M., & Gadi, M. 2016. Factors Affecting Tax Compliance in Rwanda, A Factors Affecting Tax Compliance in Rwanda an Empirical Analysis, (February), 1–22.
 - Pommerehne, W. W. and Weck-Hannemann, H. 1996. Tax rates, tax administration and income tax evasion in Switzerland. In: Public Choice, Vol. 88(1): 161–170.
 - Razak, A. A., & Adafula, C. J. 2013. Evaluating Taxpayers' Attitude and its Influence on Tax Compliance Decisions in Tamale, Ghana, 5(September), 48–57.
 - Rooney, P., & Frederick, H. K. 2007. Paying for overhead: A study of the impact of foundations' overhead payment policies on educational and human service organizations.
 - Sjoberg, F. M., Mellon, J. and Peixoto, T.C., Hemker, J.Z. and Tsai, L. L. 2019. Voice and Punishment: A Global Survey Experiment on Tax Morale. World Bank Policy Research Working Paper No. 8855.
 - Slemrod, J. 1992. Why people pay taxes: Tax compliance and (enforcement). The University of Michigan Press.
 - Tadesse, G., & Goitom, A. 2014. Factors Influencing Taxpayers' Compliance with The Tax System: An Empirical Study In Mekelle City, Ethiopia. Ejournal of Tax Research, 12(2), 433–452.
 - Tilahun, A., & Yidersal, D. 2014. Determinants of Tax Compliance Behavior in Ethiopia: The Case of Bahir Dar City Taxpayers. Journal of Economics and Sustainable Development, 5(15), 2222–1700.
 - Torgler, B. 2007. Tax compliance and tax morale: A theoretical and empirical analysis. Edward Elgar Publishing Inc.
 - Trifan, V., Szentesi, S., Cuc, L, Pantea, M. 2023. "Assessing Tax Compliance Behavior Among Romanian Taxpayers: An Empirical Case Study," SAGE Open, vol. 13(3), pages 21582440231, September.
 - Vincent, O. 2021. Assessing SMEs tax non-compliance behaviour in Sub-Saharan Africa (SSA): An insight from Nigeria. Cogent Business & Management, 8(1).
 - Wahl, I., Kastlunger, B., & Kirchler, E. 2010. Trust in authorities and power to enforce tax compliance: An empirical analysis of the slippery slope framework. Law & Policy, 32(4), 383–406.
 - Walsh, K. 2012. Understanding taxpayer behaviour– new opportunities for tax administration. The Economic and Social Review, 43(3, Autumn), 451–475.
 - Wartick, M. 1994. Legislative justification and the perceived fairness of tax law changes: A referent cognitions theory approach. The Journal of the American Taxation Association, 16(2), 106–123.
 - Wenzel, M. 2005. Misperceptions of social norms about tax compliance: From theory to intervention. Journal of Economic Psychology, 26, 862–883.
 - White, R. A., Harrell, A., & Harrison, P. 1993. The impact of income tax withholding on taxpayer compliance: Further empirical evidence. The Journal of the American Taxation Association, 15, 63–78.